

اشهد ان لا اله الا الله
محمد بن عبد الله

اقتصاد توسعه

مقطع کارشناسی ارشد

نیمسال اول ۹۴-۱۳۹۳

استاد : دکتر سید شمس الدین حسینی

محورهای درس اقتصاد توسعه

۱. دلیل و بستر تاریخی شکل‌گیری شاخه اقتصاد توسعه

منابع :

- مقاله «ماهیت و روش در علم اقتصاد» - مقدمه کتاب «اقتصاد ایران : توسعه، برنامه‌ریزی، سیاست و فرهنگ (مجموعه مقالات و سخنرانی‌های دکتر حسین عظیمی)» - به کوشش خسرو نورمحمدی - نشر نی - چاپ اول ۱۳۹۱
- فصل سوم کتاب الگوهای توسعه - دایانا هانت - ترجمه غلامرضا آزاد - نشر نی

۲. نظریه‌ها و الگوهای اقتصاد توسعه (نمودار در ادامه)

منابع :

- کتاب الگوهای توسعه - دایانا هانت - ترجمه غلامرضا آزاد - نشر نی
- مطالب تکمیلی نظریه‌ها و الگوهای اقتصاد توسعه - تألیف دکتر سید شمس‌الدین حسینی (-Shamseddin) (hosseini.ir)

محورهای درس اقتصاد توسعه

۳. راهبردهای توسعه (تعریف، ملاحظات و طبقه‌بندی)

۱. راهبرد پولی

۲. راهبرد اقتصاد آزاد

۳. راهبرد صنعتی شدن

۴. راهبرد انقلاب سبز

۵. راهبرد توزیع مجدد

۶. راهبرد سوسیالیستی

منبع: کتاب راهبردهای توسعه - کیت گریفین - ترجمه هاشمی و راغفر - نشر نی

۴. برنامه‌ریزی توسعه (تعریف، تاریخچه، انواع برنامه‌ریزی و ارزیابی آنها، تجربه ایران)

منبع: کتاب برنامه‌ریزی توسعه، مبانی، مفاهیم و مطالعه تطبیقی تجربه کشورهای منتخب و ایران (جلد ۱ و ۲) - مرجان فقیه‌نصیری، سید

شمس‌الدین حسینی و سایر - شرکت چاپ و نشر بازرگانی

۵. موضوعات انتخابی («اهداف توسعه در هزاره سوم»، «دولت، بازار، توسعه»، «تجارت و توسعه»، «عدالت و توسعه»، «فقر، توزیع درآمد

و توسعه»، «سرمایه اجتماعی و توسعه»، «نهادگرایی و توسعه»، «حکمرانی خوب و توسعه»، «بحران اقتصادی اخیر» و ...)

۶. بررسی تجربه کشورها

نظریه ها و الگوهای اقتصاد توسعه

۱- قبل از اقتصاد توسعه (۱۷۷۶-۱۹۳۰)

آدام اسمیت - مارکس - شومپیتر - کینز

۱- نظریه پیشگامان

- روزن اشتاین
- مراحل تاریخی روستو
- نظریه رشد متوازن نورکس
- نظریه رشد نامتوازن هیرشمن
- نظریه حداقل تلاش لیبن اشتاین

۱۹۳۰-۱۹۸۰

۲- الگوها

- الگوی هسته در حال گسترش سرمایه‌داری
- الگوی ساختارگرایان آمریکای لاتین
- الگوی نئومارکسیستی
- الگوی وابستگی
- الگوی مائوئیسم
- الگوی نیازهای اساسی
- الگوی نئوکلاسیک

۲- بعد از اقتصاد توسعه

۱۹۸۰ تا به امروز

- توسعه پایدار
 - توسعه انسانی
 - توسعه به مثابه آزادی
 - توسعه در اقتصاد نوین
 - رقابت‌مندی
 - نهادگرایی جدید
- اقتصاد دانش
- جهانی شدن اقتصاد

طبقه‌بندی
نظریه‌ها
و الگوها

دلیل ظهور شاخه اقتصاد توسعه در علم اقتصاد

• تفاوت علم اقتصاد کلاسیک با علم اقتصاد توسعه در چیست؟

• برای پاسخ به این سؤال باید به سه مؤلفه ماهیت، روش و موضوع توجه شود

ماهیت علم اقتصاد کلاسیک

- علم اقتصاد با ماهیت «حداکثر کردن نتیجه» توسط آدام اسمیت با انتشار کتاب «تحقیق در باب ماهیت ثروت ملل» در سال ۱۷۷۶ میلادی بنیان نهاده شد
- آدام اسمیت یک معلم فلسفه اخلاق بود
- او به باورهای رایج زمان خویش، مبنی بر اینکه پدیده‌هایی چون فقر، پدیده‌هایی مرموز و مربوط به ماوراء الطبیعه هستند، شک کرد
- او به دنبال کشف اصول و قواعد علمی «افزایش ثروت ملت‌ها» برای «ریشه کن کردن فقر ملت‌ها» رشته اقتصاد را بنیان گذاشت
- بنابراین، علم اقتصاد (کلاسیک) با ماهیت تحقیق در باب کشف قواعد علمی، افزایش تولید یا درآمد و سرانجام ثروت ملت‌ها، البته در جوامع صنعتی چون انگلیس، بنیان گذارده شد

ماهیت علم اقتصاد

دکتر پیرنیا (اقتصاددان فقید ایرانی) : تحقیق در چگونگی بدست آوردن حداکثر نتیجه از منابع محدود، همان ماهیت علم اقتصاد است

• اقتصاد، علم تخصیص منابع محدود به اهداف و نیازهای نامحدود است.

• معیار «تخصیص بهینه منابع» همان «حداکثر کردن نتیجه» است

• نتیجه عبارت است از، مابه التفاوت آنچه بدست می آوریم و آنچه هزینه می کنیم

ماهیت

- **تئوری مصرف کننده** در اقتصاد خرد، حداکثر کردن مطلوبیت یا رضایت خاطر (نتیجه مورد انتظار) مصرف کننده را می آموزد
- **تئوری تولیدکننده** در اقتصاد خرد، قواعد حداکثر کردن سود (نتیجه مورد انتظار) بنگاه را می آموزد
- **تئوری اقتصاد کلان**، چارچوب مناسب سیاست پولی و مالی برای اشتغال کامل منابع و ثبات (نتیجه مورد انتظار) سیاست گذار را می آموزد

ماهیت اقتصاد توسعه چیست؟

اقتصاد توسعه شاخه ای از تحقیقات اقتصادی است که از یک سو با فرایند تخصیص منابع و تحول در اقتصاد کشورهای در حال توسعه سر و کار دارد و از سوی دیگر توصیه های عملی برای نیل به توسعه اقتصادی (در تعبیر اولیه، افزایش درآمد) را در بر می گیرد

اقتصاد توسعه با هدف افزایش تولید و درآمد کشورهای در حال توسعه، برای پر کردن شکاف توسعه اقتصادی بنیان گذارده شد

ملاحظه می شود که ماهیت اقتصاد توسعه نیز همان حداکثر کردن نتیجه یا «توسعه اقتصادی» است که در بحث های بعدی، آشنا می شویم که توسعه اقتصادی در آغاز با رشد درآمد ملی یا رشد اقتصادی مترادف بوده است. اما در ادامه با تکوین نظریه اقتصاد توسعه مطرح می شود که :

رشد می تواند برای توسعه ضروری باشد، اما برای آن کافی نیست

(Economic Development-15th ed, E.Wayne Nafziger, Cambridge University Press, 2012)

پس ماهیت این شاخه علمی مشابه ماهیت شاخه اقتصاد کلاسیک است

روش در علم اقتصاد چیست؟ (اقتصاد علمی است منطقی یا تجربی؟)

- مقدمات علمی شدن اقتصاد در دوران رنسانس و طبیعیون در قرن هفدهم و قرن هیجدهم فراهم شد. فرانسواکنه مؤسس مکتب طبیعیون، اولین اقتصاددانی بود که مقدمات علمی کردن روش شناسی اقتصادی را فراهم کرد.
- وی برای طرح نظریه اقتصادی از روش انتزاعی قیاس یا استدلال منطقی از کل به جزء استفاده نمود.
- در اواخر قرن هیجدهم، آدام اسمیت با استفاده از روش قیاس برای طرح نظریه های اقتصادی در مورد عملکرد سرمایه داری آزاد، روش علم اقتصاد را به صورت یک علم منطقی تکمیل تر کرد.
- بعداً نئوکلاسیک های [اولیه] اقتصاد را به صورت یک «علم منطقی محض» درآوردند. افرادی چون فون میزز معتقد هستند که علم اقتصاد مطالعه منطق محاسبات عقلایی و اقتصادی است که با حداقل کوشش حداکثر رضایت مندی انسان حاصل شود
- بهترین معیار نظریه های اقتصادی ارزیابی منطقی آن هاست و نیازی به آزمون فرضیه نیست

روش در علم اقتصاد چیست؟ (اقتصاد علمی است منطقی یا تجربی؟)

- بعداً با تحولات سیاسی و اجتماعی آلمان در قرن نوزدهم، علم اقتصاد در دست مکتب تاریخی قرار گرفت
- فریدریش لیست رهبر این مکتب معتقد بود که قوانین اقتصادی مکتب کلاسیک، قوانین منطقی نیستند، زیرا بهوسیله تغییر در فروض آداب و رسوم جوامع مختلف، اعتبار خود را از دست می دهند
- بنابراین قوانین اقتصادی باید در شرایط مشخصی از زمان و مکان طرح شوند و با تغییر در شرایط باید تغییر کنند
- بنابراین لیست روش دیگری را برای طرح پیشنهادات نظری در علوم اقتصادی مطرح می کند

روش در علم اقتصاد چیست؟

- در تاریخ عقاید اقتصادی، ابتدا روش قیاس در مکتب طبیعیون و سپس در مکتب کلاسیک مورد استفاده قرار گرفته است.
- البته برخی از علمای کلاسیک نیز از روش استقرا استفاده کرده اند
- در قرن نوزدهم و ربع اول قرن بیستم، با ظهور مکتب تاریخی، روش استقرا به طور اعم مورد استفاده قرار گرفت و اختلافات بین طرفداران این دو روش (قیاس و استقراء) شدت گرفت
- در دوران معاصر، اکثر اقتصاددانان معتقدند که اقتصاد در عین منطقی بودن، یک علم تجربی نیز است. در نتیجه دامنه اختلافات بین طرفداران قیاس و استقراء کاملاً محدود شده و به طور کلی از بین رفته است
- روش قیاس و استقراء در روش شناسی به جای اینکه در مقابل هم قرار بگیرند، یکدیگر را کامل می کنند

روش در علم اقتصاد چیست؟

- با این حال تعدادی از اقتصاددانان قرن بیستم بر این عقیده اند که باید از شیوه قیاس به مفهوم سابق آن استفاده نمود.
- ابتدا فرضیه را به دست آورد و سپس با آمار و اقتصادسنجی آن را مورد استفاده قرار داد. اسکارلانگه اقتصاددان فقید لهستانی این روش را مورد تأکید قرار می دهد. از این دیدگاه اقتصاد هم یک علم منطقی است و هم یک علم تجربی است
- در روش ترکیبی، اقتصاددانان با کمک آمار و روش های آماری، واقعیت ها را بررسی می کنند و سپس بر اساس حقایق به دست آمده نظریه را مطرح می کنند. در مرحله اول با استقراء آماری که روش جدیدی است، واقعیتها روشن می شود و در مرحله دوم به کمک روش قیاس، نظریه مطرح می شود

روش در علم اقتصاد چیست؟

- اسکار لانگه می گوید اقتصاد علمی **منطقی و تجربی** است.
- **منطقی** است چون از یک چارچوب **قیاسی** (کل به جزء) تخصیص بهینه منابع برخوردار است
- البته این امر به قابلیت تعمیم این علم مربوط می شود که در عین حال، محل مناقشات روش شناسی است
- **تجربی** است چون با استفاده از روش های کمی و مطالعات تاریخی، قضایا و فرضیه ها را آزمون می کند تا به نظریه برسد
- باید به هنگام کاربرد یا تعمیم نظریه ها دقت شود
- بایستی به شرایط ظهور و پذیرش نظریه ها اشراف داشت (کارکرد اشراف بر تاریخ عقاید اقتصادی)
- در بررسی های تجربی، برقراری ارتباط بین فروض نظریه با واقعیت جامعه یک هنر است (ویلیام اچ برانسون)

روش در اقتصاد توسعه چیست؟

- آیا اقتصاد توسعه روشی دیگر را برگزیده است ؟
- آیا جز این است که نسل های جدید اقتصاددانان توسعه در بکارگیری ابزارهای بیشتر کمی پیش رفته اند؟
- عظیمی (اقتصاددان فقید ایرانی) بحث ماهیت و روش در علم اقتصاد را در مقاله ای با همین عنوان تشریح کرده است
- در ادامه خلاصه ی این مقاله آمده است

۱- علم اقتصاد، یکی از علوم تجربی اجتماعی

• چهار مشخصه علوم اجتماعی که در علم اقتصاد نیز وجود دارند :

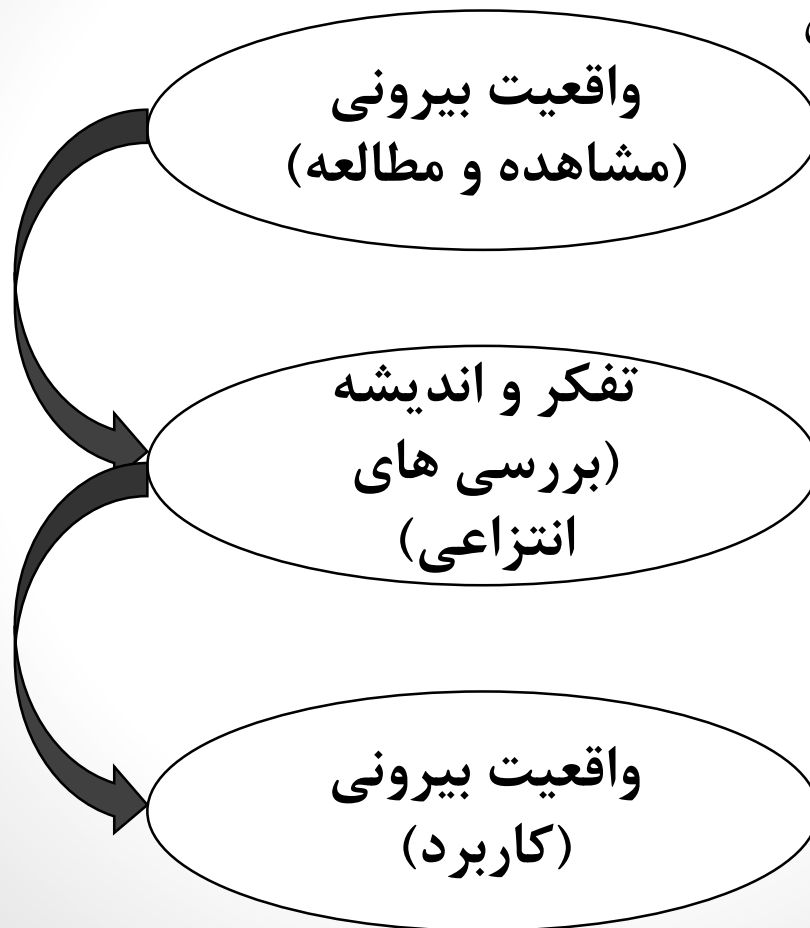
۱. تجربی
۲. مولود انقلاب صنعتی
۳. پرورش یافته در دامن عصر نوین تاریخی
۴. همگام با تکامل جامعه صنعتی

• بررسی تجربی بودن علوم اجتماعی عمدتاً از دو دیدگاه صورت می پذیرد

۱. ارتباط علوم تجربی با واقعیت های خارجی
۲. مسأله آزمون پذیری قضایا

۲- علوم تجربی و واقعیت ها

- ۱-۲- فرایند شکل گیری علوم تجربی
(تفکر علمی)



۲-۲- چند نکته برای درک بهتر فرایند مزبور

۲-۲-۱- مفاهیم تجربی اجتماعی، دارای تاریخ (تاریخی) هستند

□ مفاهیم در علوم اجتماعی :

- ازلی و ابدی نیستند
 - دارای تاریخ مشخص اند
 - در زمان و مکان مشخص متولد می شوند و همراه با زمان، در همان مکان یا در سایر مکان ها تکمیل می شوند
- مثال : مفاهیمی همچون **کارگر، سرمایه دار یا کارایی و تخصیص بهینه منابع** پس از دوران نوین تاریخی مطرح شده اند

۲-۲-۲- مفاهیم تجربی اجتماعی، دارای قالب و ظرف اجتماعی اند

- برای داشتن درک صحیح از مفاهیم باید به قالب های زمانی و مکانی آن ها توجه کرد
- مثال : نظریه ریکاردو - اقتصاددان کلاسیک - در باب طبقه بندی عوامل تولید به سه عامل زمین ، کار و سرمایه

دو مثال از تاریخی بودن مفاهیم

• عوامل تولید از دیدگاه ریکاردو :

- ۱- کار (کارگران فاقد تخصص و سرمایه)
- ۲- زمین (فئودال ها - زمین داران)
- ۳- سرمایه (صاحبان کارخانه)

آیا این دسته بندی، همیشه و همه جا برقرار است؟

• نظریه فیزیوکرات ها

- طبق این نظریه، تنها بخش فعالیت مولد در اقتصاد، **کشاورزی** است و سایر بخش ها مولد نیستند.
- علت این نظریه را باید در شرایط اجتماعی فرانسه در زمان پیش از شکوفائی صنعتی جست و جو کرد.
- در آن زمان، بخش کشاورزی ضمن آن که تغذیه کننده سایر بخش های فعالیت اقتصادی بود، خود هیچ وابستگی به سایر بخش ها نداشت

در شرایط کنونی نه دسته بندی ریکاردو و نه نظریه فیزیوکراتها با واقعیت های اجتماعی ما سازگاری ندارد

۲-۳- عمومیت در علوم تجربی

• با توجه به **تاریخی بودن و دارای قالب و ظرف بودن** مفاهیم اجتماعی، آیا امکان **عمومیت** دادن آن ها به عنوان یک **علم** وجود دارد؟

• **عمومیت** به معنی ثابت و لایتغیر بودن یک نظریه علمی یک مفهوم یا قضیه علمی نیست. برای مثال آب، همیشه و همه جا در ۱۰۰ درجه سانتیگراد به جوش نمی آید.

• در **تعمیم** یک قضیه اجتماعی باید به **قالب اجتماعی** (ظرف زمانی و مکانی) آن توجه کرد

• ریچارد برانسون : در تحقیقات تجربی، **برقراری ارتباط بین فرض نظری با شرایط واقعی**، یک **هنر** به شمار می آید

• البته اقتصاددانانی مثل فریدمن معتقدند که نگرانی در مورد فرض لازم نیست. اگر آنها واقعی نباشند مهم نیست و نباید در مورد آن ها نگران بود، مشروط بر اینکه نظریه به پیش بینی نادرست منجر گردد. پس اعتبار یک نظریه به پیش بینی آن بر می گردد و نه واقعی بودن فرض آن.

• به جای انتقاد از فرض نظریه های اقتصادی موجود، باید در **عض** با در نظر گرفتن فرض دیگر، نظریه های دیگری طرح شود

۲-۴- نظریه پرداز علمی کیست؟

• ویژگی های یک نظریه پرداز

۱. احاطه بر نظریه ها و قضایای علمی (قبله)

۲. احاطه بر واقعیت های جامعه و اطراف

۳. مطالعه مستقل واقعیت ها، فرضیه سازی راجع به آن ها، آزمون فرضیه ها در جامعه و بکارگیری نتایج حاصله در امور جامعه

• نظریه پردازی به معنی شروع یک علم نیست، کما اینکه نظریه پرداز نمی تواند نسبت به واقعیت های محل زندگی خود (مطالعه آن ها)، بیگانه باشد.

• استیگلیتز در انتقاد از دیدگاه اقتصاددانان صندوق بین المللی پول

• مدیریت اقتصاد مدرن، مانند مدیریت بنگاه ها از راه دور است

• ارجحیت کارشناسان ملی به کارشناسان اعزامی صندوق

۲-۵- مفاهیم در علوم اجتماعی دارای ما به ازای عینی هستند

- مفاهیم نمی توانند صرفاً و انحصاراً ذهنی باشند
- در علوم تجربی اساساً شروع از **ذهن منتزع** بی معنی و غیر قابل قبول است
- پدیده به عنوان یک واقعیت بیرونی است که ذهن پژوهشگر را درگیر خود می کند
- **مثال** : شکاف توسعه کشورهای توسعه یافته (بر اساس ویژگی های مشترک) با کشورهای توسعه نیافته (بر اساس ویژگی های مشترک) ذهن اقتصاددانان توسعه را درگیر کرده است
- **علوم تجربی به توضیح و تعریف پدیده های بیرونی می پردازند، حال این پدیده ها می توانند با معیارهای اخلاقی ما سازگار باشند یا نباشند**

۲-۶- شیوه علمی حل اختلاف در علوم تجربی

- مفاهیم دارای ما به ازای بیرونی هستند و مفاهیم صد در صد ذهنی در علوم تجربی جای ندارند
- در صورت وقوع اختلاف بر سر تعاریف، ساده ترین راه، مراجعه به همین واقعیات بیرونی است
 - مثال شمارش دندان های اسب
- در تبیین و تعریف واقعیت بیرونی ارزش ها و جهان بینی محقق دخیل نیست

۲-۷- انتخابی بودن در علوم اجتماعی و دخالت ارزش ها در این علوم

- بررسی ها و مطالعات در علوم اجتماعی - تجربی «انتخابی» هستند
- مطالعات در علوم اجتماعی - تجربی دارای «نقص» و «کاستی» هستند

• مراحل انجام یک مطالعه در علوم اجتماعی

۱. انتخاب یک یا چند واقعیت از بین واقعیت های فراوان برای مطالعه
۲. انتخاب یک یا چند جنبه از واقعیت یا واقعیت های مورد مطالعه
۳. انتخاب جامعه (مکان و زمان) مطالعه

یک محقق نمی تواند همه **واقعیات** و همه **جنبه های** آن ها را در همه **جوامع** بررسی کند، بنابراین مطالعه اش در زمان خودش «نقص» دارد

بسته به این که نقص مورد اشاره در کدام یک از جنبه های سه گانه بالا باشد، محققان دیگر می توانند آن ها را از آن منظرها تکمیل کنند

۲-۷- انتخابی بودن در علوم اجتماعی و دخالت ارزش ها در این علوم

- ارزش ها بر انتخاب و لاجرم جهت مطالعه (حرکت در علوم اجتماعی) اثر می گذارند، بنابراین اثر ارزش ها بیشتر در مرحله انتخاب موضوع مورد مطالعه است و کمتر بر روش مطالعه تأثیر می گذارد
- مثال : فقر (تجارت) / فقر قابلیتی در مقابل فقر درآمدی

۲-۸- تفاوت یک علم اجتماعی بین جوامع (حوزه های ایدئولوژیک) مختلف

- علم اقتصاد اسلامی، زاینده و تکامل یافته در جامعه اسلامی
- علم اقتصاد سرمایه داری، زاینده و تکامل یافته در نظام سرمایه داری
- علم اقتصاد کمونیستی، زاینده و تکامل یافته در نظام کمونیستی
- تفاوت ها به حوزه های مطالعه مربوط هستند که طبعاً بر جهت مطالعه نیز اثر می گذارد.
اولویت پیشرفت (رشد) بر عدالت یا عدالت بر رشد
- توسعه یک مفهوم هنجاری است و بنابراین مقید به قضاوت های ارزشی است

(Frontiers in Development Policy, Raj Nallari and ... , The World Bank, 2011, page 9)

۲-۹- علوم اجتماعی ناقص اند، پس مدام در مسیر تکامل اند

- تا زمانی که زندگی بشر به پایان نرسیده، واقعیات و جنبه های جدیدی از واقعیت ها بروز می کند

- شرایط جوامع متفاوتند

- بنابراین در مطالعه و تعمیم باید به بروز واقعیت ها و شرایط توجه کرد

- مثال : تفاوت ساختار بازارها، پس از انقلاب صنعتی که فرض (آکسیوم) برقراری رقابت کامل را به چالش کشید و نظریه اقتصادی صنعتی به عنوان مبانی هدایت (مداخله) دولت در حوزه اقتصاد را پیش کشید

۲-۱۰- علوم اجتماعی با سایر علوم تجربی تفاوت دارند

- اگرچه علوم اجتماعی در مرحله مشاهده و فرضیه سازی با سایر علوم تجربی شباهت دارند ولی در مرحله آزمون فرضیه با آن تفاوت دارند

- در علوم تجربی غیراجتماعی :

- آزمایشگاه قابل کنترل در اختیار محقق است

- موضوع تحقیق مستقل از محقق است، ضمن اینکه موضوع تحقیق علوم اجتماعی، زنده، پویا و بسیار پیچیده است

علوم اجتماعی تجربی تلفیقی از «هنر» و «علم» است **Bachelor of Science vs. Bachelor of Arts**

۲-۱۰ - علوم اجتماعی با سایر علوم تجربی تفاوت دارند

- در روش شناسی علوم اجتماعی تجربی، تلاش هایی برای آزمون فرضیه شده است

- مطالعه تاریخی

- علوم کمی

- اقتصادسنجی

- اقتصاد ریاضی

- مدل های تعادل عمومی

۳- حوزه و قلمرو ویژه در مطالعات اقتصادی؛ اقتصاد توسعه در مقایسه با اقتصاد کلاسیک

- علم اقتصاد با سایر علوم اجتماعی در روش تفاوت ندارند، بلکه در **حوزه و قلمرو** یا «موضوع» تفاوت دارد
- علم اقتصاد، علم تخصیص بهینه منابع کمیاب است
- این علم در انتهای قرن هجدهم، توسط آدام اسمیت، بنیان گذاشته شد

سؤال اقتصاددانان کلاسیک (اسمیت، ریکاردو، استوارت میل، مارشال و ...)

- قانون مندی های افزایش تولید و ظرفیت تولیدی در جوامع پیشرو در انقلاب صنعتی، همچون انگلیس چه بوده است؟

۳- حوزه و قلمرو ویژه در مطالعات اقتصادی؛ اقتصاد توسعه در مقایسه با اقتصاد کلاسیک

- اقتصاددانان توسعه، (ابتدا) پربیش و میردال و (سپس) لوئیس، روستو و شولتز، سؤال اقتصاددانان کلاسیک را اینگونه تکمیل کردند :

چرا کشورهای توسعه نیافته موفق به تولید نشده اند و عقب مانده اند؟

- **ماهیت و روش در علم اقتصاد (شاخه کلاسیک) و شاخه اقتصاد توسعه، یکسان است، ولی این دو شاخه در موضوع و یا به عبارتی، قالب زمانی با یکدیگر متفاوتند.**
- **موضوع علم اقتصاد (Economics)، اقتصاد کشورها (Economies) است، پس از سایر علوم اجتماعی بر اساس موضوع مطالعه تمیز داده می شود**
- **موضوع علم اقتصاد توسعه (Development Economics)، اقتصادهای توسعه نیافته (Undeveloped or less Developed Economies) است، پس از شاخه اقتصاد کلاسیک تمیز داده می شود**

موضوع اقتصاد توسعه

- دادلی سیرز : موضوع علم اقتصاد (Economics) درباره اقتصاد کشورها (economies) است
- موضوع علم اقتصاد کلاسیک، اقتصادهای کشورهای صنعتی است
- موضوع علم اقتصاد توسعه، اقتصاد کشورهای توسعه نیافته است

کماینگه

- موضوع علم اقتصاد خرد، تحلیل رفتارهای عوامل خرد اقتصادی است
- موضوع علم اقتصاد کلان، تحلیل رفتارهای عوامل کلان اقتصادی است

موضوع اقتصاد توسعه

- در دهه ۱۹۴۰ و اوایل دهه ۱۹۵۰ توجه برخی اقتصاددانان به مجموعه ای از داده ها و مسائل مربوط به آن معطوف شد که دیدگاه جدیدی را می طلبید
- توجه اینان بر دو جنبه متمرکز بود :
 ۱. علل فقر نسبی در کشورهای کمتر توسعه یافته
 ۲. راه بالقوه پیشرفت این کشورها، یعنی تعیین مسیر پیشرفت اقتصادی در این مناطق که عمده آن ها در مرحله ماقبل صنعتی قرار داشتند
- اقتصاد توسعه نه به عنوان شاخه ای کاملاً جدید، بلکه به عنوان زیرمجموعه ای از دانش موجود پدیدار شد

نتیجه گیری

- ماهیت و روش اقتصاد توسعه مشابه اقتصاد کلاسیک است، لیکن «موضوع اقتصاد کلاسیک» پژوهش درباره اقتصادهای کشورهای صنعتی و موضوع اقتصاد توسعه، پژوهش درباره اقتصادهای کشورهای توسعه نیافته است (هانت فصل دوم)
- اقتصاد کلاسیک با هدف کشف قواعد رشد اقتصادی در اقتصادهای صنعتی بنیان گذاشته شد و اقتصاد توسعه با هدف کشف قواعد رشد اقتصادی در کشورهای توسعه نیافته بنیان گذاشته شد
- اقتصاد کلاسیک در ادامه مسیر در قالب های زمانی و مکانی جدید و بروز شرایط نوین تکمیل شده است، کما اینکه اقتصاد توسعه متناسب با شرایط جدید تکوین یافته است

پایان درس اول